پیدا و پنهان شکل‌گیری وهابیت

تلاش ناکام آل سعود برای جهانگیر شدن وهابیت

فصل سیزدهم

سلفی‌گری تکفیری یا اسلام آمریکایی

زمانی که خیزش‌های منطقه‌ای غرب آسیا آغاز شد، اخبار گوناگونی نیز از ورود گروه‌های منصوب به سلفی‌گری به این کشورها به گوش رسید. همزمان در سوریه، لبنان و عراق گروه‌های وهابی تکفیری وارد خاک این کشورها شدند و به اصطلاح شروع به دعوت مذهبی خویش کردند.

دعوت مذهبی آن‌ها یا پذیرش سلفی‌گری و خط مشی این گروه‌ها بود یا قبول مرگ. حتی مسیحیان و سایر اقلیت‌های مذهبی نیز از این دعوت در امان نماندند. در حالی که پیامبر اقلیت‌های دینی را جزو موحدان شمرده بود، این گروه‌ها به غارت اموال، بیرون کردن مسیحیان از منطقه و حتی کشتار آن‌ها دست زدند.

سلفی‌گری تکفیری به طور معمول در برخورد با اهداف خود خشونت بسیاری را از خودش نشـان می‌دهد. خشونتی که گاه در حد افراط بروز می‌کند و چنین به نظر می‌رسد که تکفیری‌ها به عمد فیلم‌های مستندی را از صحنه‌های فجیع قتل‌هایشان تهیه می‌کنند تا رعب و وحشت را میان مردم بیشتر کنند. در حال حاضر حجم زیادی از فضای مجازی را فیلم‌های مستند این گروه‌ها اشغال کرده است. قاتلان در حالی که صورت‌هایشان را پوشانده‌اند، با اره برقی، ساطور یا شمشیر سر قربانیان را از تن جدا و اعضا و جوارحشـان را قطعه قطعه می‌کنند یا در حالی که هنوز نیمه‌جان هستند، قلبشان را از سینه بیرون می‌آورند و به دندان می‌کشند. این فیلم‌ها به طور معمول با ابراز تاسف جوامع بین‌المللی روبه‌رو می‌شود و همواره با موجی از هیاهوی رسانه‌های غربی برای تعمیم آن به مجموعه اسلام و حرکت‌های اسلام‌گرایانه توام است. در کمترین شکل تحلیل این کشتارها، معمولا کارشناسان رسانه‌ای غرب و بعضی از کشورهای عربی از آن‌ها به عنوان تسویه حساب‌های مذهبی بین اهل سنت و شیعیان یاد می‌کنند.

و به این ترتیب تصویر وارونه‌ای که به جهان مخابره می‌شود، نه تنها اسلام‌هراسی را به دنبال دارد بلکه آتش خشـونت نفاق و برادرکشـی را در بین جوامع اسلامی گسترش می‌دهد.

گونه‌شناسی سلفی‌گری[۱۴۲]

گروه‌های مختلف سـلفی‌ها عقاید متفاوتی دارند کـه همین عقاید آن‌ها را از یکدیگر جدا می‌کند.

پیش از این که به بررسی گونه‌های وهابیت حاضر در منطقه بپردازیم، بهتر است کمی به تفاوت گونه‌های مدعی سلفی‌گری بپردازیم.

یکی از ریشه‌های تفاوت سلفی‌ها، اختلاف‌هایی است که در برخی از مبانی میان آن‌ها وجود دارد. این اختلاف‌ها ناشـی از میزان پای‌بندی و توجه هر کدام از این گروه‌ها به مبانی عام سـلفی‌گری است. به عنوان مثال وهابیان، بر حدیث به عنوان منبع معرفتی بسـیار تاکید دارند، در حالی که اهل قرآن توجه چندانی به حدیث نداشـته و به طور مسـتقیم به کتاب مراجعه می‌کنند؛ یا در حالی که وهابیان به شدت با تصوف مخالفند، مکتب دیوبند به دو اصل طریقت و شریعت پای‌بند است.

سیاست یکی دیگر موضوعات مورد اختلاف میان سلفیان است، مسایلی مانند حد و مرز حضور در سیاست، چگونگی تعامل با دولت، موضعگیری در برابر مخالفان در میان سایر مذاهب یا غیرمسلمانان از جمله این مسائل است. به عنوان مثال در حالی که برخی از سـلفی‌ها تا هنگامی که حاکم اسلامی به طور رسمی اظهار کفر نکرده باشد، تمکین از حاکم را لازم می‌دانند، برخی دیگر معتقد به مبارزه با حاکم ظالم هسـتند. به عنوان مثال شاخه سـید قطب از جریان اخوان‌المسلمین، همه کشورهای اسلامی را جامعه جاهلی ذکر می‌کنند و وظیفه همگان را جهاد در برابر آن‌ها می‌دانند اما گرایش «جامیه» وهابیان به طور کامل از دولت فرمانبرداری می‌کند. گاهی در پاکستان دو جریان از نظر عقیده و حتی مواضع سیاسی با هم تفاوتی ندارنـد اما از نظر روش رسـیدن به هدف با یکدیگر تفـاوت دارند. به عنوان مثال «جمعیت العلمای اسـلام» که پیرو مکتب دیوبند اسـت، برای پیشبرد هدف‌های خود از روش دیپلماتیک استفاده می‌کند اما گروهی دیگر مانند «سپاه صحابه» با همان نگرش‌های اعتقادی روش ترور و خشـن را برای پیشبرد هدف‌های خود به کار می‌گیرد. یا در حالی که جریان‌های نوگرای وهابی برای پیشبرد هدف‌های خود از روش‌های تبلیغی استفاده می‌کنند، جریان افراطی وهابی، روش خشونت‌آمیز و حتی کمک به دیگر گروه‌های خشونت را در پیش گرفته است.

با توجه به آن چه گفته شـد، می‌توان گونه‌های سـلفی‌گری را به سلفی‌گری تکفیری، سلفی‌گری جهادی، سلفی‌گری تبلیغی و سلفی‌گری سیاسی تقسیم کرد.

با این حال به دلیل تبلیغات فراوان و از جمله دلایلی که پیشـتر گفته شد، به

*** از آغاز دعوت فرقه وهابیت، تلاش زیادی شد تا این فرقه جهانگیر شود، اما با وجود همه فشارها، تهدیدها و در مقابل مزایایی که عبدالعزیز برای پیروان وهابیت ایجاد کرده بود، نتیجه کافی عاید نمی‌شد و مردم به اعتقادات آن‌ها گردن نمی‌گذاشتند. وهابیان شروع به تبلیغات در ایام حج کردند. زمانی که مردم برای انجام فریضه حج و زیارت مرقد مطهر پیامبر (ص) از نواحی مختلف جهان می‌آمدند، از همین جا بود که فرقه وهابیت به چند نقطه از جهان نفوذ کرد. اگرچه که با همه جدیت و کوششی که وهابی‌ها انجام دادند، آن‌ها هرگز همانند یکی از مذاهب اربعه یا حتی نزدیک به آن هم آن‌طور که تصور می‌شد، مورد قبول مردم قرار نگرفتند.**

***

همه این جریانات عنوان سلفی‌گری داده‌اند.

برخی دیگر از پژوهشـگران هم به ناچار سلفیه را در جهان اسلام، با توجه به مبانی اعتقادی، روش‌های عمل و نگرش‌های سیاسی تقسیم‌بندی می‌کنند.

البته تقسیم‌بندی دیگری نیز، بر اساس ژئوپلتیک سلفیت وجود دارد که سلفیان را بر اسـاس مناطقی که از آن برخاسته‌اند، تقسیم‌بندی می‌کند. این تقسیم‌بندی شـامل سلفیه وهابی تکفیری در شـبه‌جزیره عربستان، سلفیه در شبه قاره هند و سلفیه در شمال آفریقا می‌شود.

وهابیت تکفیری عربستان که پیشتر درباره آن گفته شد و با آرا و افکار محمدبن عبدالوهاب منتشر شد، از طرف اهل سنت مورد نقد و بررسی قرار گرفته و اکثریت اهل سنت، این آرا را برگرفته از امام احمد حنبل که در واقع از سلفی‌های نخستین بوده است، نمی‌دانند، بلکه عنوان می‌دارند که افکار وهابیت اجتهادات ابن تیمیه است و هیچ یک از سلف حقیقی به این اجتهادات اعتقادی نداشته و آن را ذکر می‌کنند، از مصادیق شرک نمی‌دانسته‌اند.

سـلفیه‌ای که در این تقسیم‌بندی در شـبه قاره هند ظهور کرده، برگرفته از اندیشه‌های شاه ولی‌الله دهلوی و متاثر از افکار ابن تیمیه می‌باشد.

از آغاز دعوت فرقه وهابیت، تلاش زیادی شـد تا این فرقه جهانگیر شـود، اما با وجود همه فشـارها، تهدیدهـا و در مقابل مزایایی کـه عبدالعزیز برای پیروان وهابیت ایجاد کرده بود، نتیجه کافی عاید نمی‌شد و مردم به اعتقادات آن‌ها گردن نمی‌گذاشـتند. پس از این که آل سـعود حجاز را تصرف کرد، چه در نوبت اول که با حمله محمدعلی پاشا از تصرفشان خارج شد و چه در نوبت دوم که حکومتشان تاکنون بر آن ادامه یافته است، وهابیان شروع به تبلیغات در ایام حج کردند. زمانی که مردم برای انجام فریضه حج و زیارت مرقد مطهر پیامبر (ص) از نواحی مختلف جهان می‌آمدند، شـرایط آن فضای روحانی خود به خود به گونه‌ای بود که ذهن‌ها آماده پذیرش تعالیمی بود که به ظاهر توحید محض می‌آمد. بنابراین آن‌ها به نشر وهابیت پرداختند از همین جا بود که فرقه وهابیت به چند نقطه از جهان نفوذ کرد. اگرچه که با همه جدیت و کوششـی که وهابی‌ها انجام دادند، آن‌ها هرگز همانند یکی از مذاهب اربعه یا حتی نزدیک به آن هم آن‌طور که تصور می‌شد، مورد قبول مردم قرار نگرفتند.

یکی از نخستین نقاطی که وهابیت به آن جا نفوذ کرد سرزمین هند بود. هند مرکز اسـتیلای انگلستان، در هیچ دوره‌ای از تاریخ، به دلیل تعدد مذاهب مختلف، نتوانسته به وحدت مذهبی برسد و طبیعی بود که هر آیین جدیدی از سوی عده‌ای مورد اعتنا و از طرف عده‌ای دیگر با انتقاد مواجه می‌شد.

در نامه‌ای که مولوی اصغر علی هندی فیضی به شیخ حسین حلمی استنبولی نوشـته چنین آمده است: «انواعی از بدعت‌گذاران در بلاد ما وجود دارند، از جمله وهابیان که نام جدیدشـان، مجاهدیون است و دیگر مودودیان که اسم جدیدشان (جماعتی اسـلامی) اسـت و قادیانی‌ها و اهل قرآن که فقط به قرآن ایمان دارند و به احادیث نبوی اعتقادی ندارند و بازنوشته است که وهابی‌ها در بلاد ما مدارس و دانشکده‌هایی دارند، از جمله مدرسه سلم السلام در اریکوت و مدینه العلوم در شهر بولکل و مدرسـه انصاریه در ولانور. همراه نامه‌ای که ذکر شـد، قطعه‌ای از جریده یومیه چندریک وجود داشت که در آن خلاصه‌ای از مناظره میان علمای اهل سنت و مجاهدین در شهر کالیکوت به چاپ رسیده بود و نشان می‌داد که از طرف فرقه‌های دیگر اسلامی با نفوذ وهابیت در هند مبارزه می‌شده است.»[۱۴۳]

شاه ولی‌الله در سفری که به مکه داشت، به مدت ۱۴ ماه نزد اساتید مکه و مدینه با افکار ابن تیمیه آشنا شد و پس از بازگشت به هند به تدریس و تالیف پرداخت. او باب اجتهاد را که از مدت‌ها قبل بسته شده بود، گشود و تفکراتش بر این مبانی استوار بود: ۱ - سلفی‌گری و توجه به سلف که بر اساس رد قطعی شرک با تکیه بر قرآن و حدیث و تعادل بین عبادات و عادات بر مبنای نظریه سـلفی‌گری می‌باشد. ۲- اجتهاد و فقه مقارن، او معتقد بود که برای مسائل مربوط به اعتقادات یا آیین و مراسم می‌توان از احکام و فتوای چهار مکتب اصلی فقهی تبعیت کرد که برگرفته از تفکرات ابن تیمیه بود. شاه ولی‌الله به بعضی از اعمال صوفیان ایراد می‌گرفت و در مسئله شرک و شفاعت همچون محمدبن عبدالوهاب، توسل به پیامبران و اولیاءالله را جایز نمی‌دانست و نسبت به شیعیان سخت‌گیر بود اما نسبت به اهل بیت ارادت خاصی داشت. بعد از شاه ولی‌الله، فرزند، نوه و داماد او به تبلیغ آیین خود پرداختند. در این بین سـید احمد بارلی یا بریلوی شاگردش و شاه اسماعیل دهلوی، نوه شاه ولی‌الله بیش از دیگران مطرح بودند. در اسناد بریتانیا از پیروان سیداحمد بارلی با عنوان وهابی یاد شده است.

اسـماعیل دهلوی، نوه شاه ولی‌الله نیز کسـی بود که کتاب توحید محمدبن عبدالوهاب نجدی را به زبان فارسـی ترجمه و به نام تقویت الایمان در هند شایع نمود.[۱۴۴]

او سـپس رساله‌ها و کتاب‌های دیگری تالیف کرد که شاگردانش مانند عبدالله غزنوی، نذیر حسـین [۱۴۵] دهلوی و صدیق خان بهوپالی و رشـید احمد گنگوهی چیزهایـی به آن افزودند. متاخرین این فرقه دو روش را اختیار کرده‌اند. یک فرقه به ظاهر اهل حدیث است و فرقه دوم اگرچه خود را حنفی می‌نامند اما در واقع در اعتقاد به این که بسیاری از علما و صالحان و اولیا را بدعت‌گذار و مشرک بدانند، با گروه اول شـریک‌اند. به عبارتی آن‌ها نیز مردمی غیر از خود را مشرک می‌دانند و تنها به این دلیل که در صورت اظهار عقیده خلق از آن‌ها بیزار خواهند شد، خودشان را پشت پرده حنیفه مستور داشته‌اند.

دارالعلوم دیوبند

در سـال ۱۸۵۷ میلادی مسلمانان هند علیه انگلیسـی‌های استعمارگر قیام کردند که این قیام به شدت سرکوب شد. در واکنش به قیام مردم، سه گرایش در بین مسلمانان در همان سال در هند به وجود آمد که یکی از آن‌ها تاسیس مدرسه سـلفی به پیروی از شـاه ولی‌الله و بریلوی در دیوبند به دسـت مولانا محمدقاسم نانوتوی بود.در ظرف ۳۰ سـال بعد از تاسیس اولین مدرسه، نزدیک به ۴۰ مدرسه وابسـته به آن بنیان گذاشته شد که همه آن‌ها برنامه آموزشی و اساتید خود را از مدرسـه دارالعلوم دیوبند اخذ کردند. لذا دیوبند مرکز جدیدی برای نشر اسلام در هند شد. بنیانگذاران دیوبند به شدت تحت تاثیر شاه ولی‌الله دهلوی بودند و بیشتر به کلام با رویکردی حدیث‌گرایانه نظر می‌کردند. در زمان نسل دوم اساتید دیوبند، آن‌ها اعتباری بین‌المللی یافتند و بعد از الازهر در مرتبه دوم قرار گرفتند و افرادی از جنوب آفریقا، کشـورهای جنوب شرق آسیا، آسیای مرکزی، ایران و به خصوص افغانستان به دیوبند آمدند.

منابع در دفتر روزنامه موجود است

رخنه‌های فرهنگی و نقش دولتمردان در ایجاد آن

رجعت تدریجی سکولارها

***در دولت تازه استقرار یافتهٔ تدبیر و امید، متأسفانه شاهد رجعت بسیاری از افراد آزمایش پس داده در دولتهای سازندگی و اصلاحات هستیم، چه در رأس وزارتخانه و چه در بدنهٔ دولت و لذا مجدداً فرصت برای تاختن بر پیکرهٔ فرهنگ عمومی و ایجاد رخنه در سپر فکری و روحی جامعه برای فرصت‌طلبان فراهم گردید.**

د: دولت تدبیر و امید، رجعت تدریجی سکولارها

در طـول دوران روی کار آمدن دولت تدبیـر و امید، مجـدداً حجم هشـدارها و دسـتورالعملهای رهبری در حوزهٔ فرهنگ افزایش یافته است.

در دولـت تازه اسـتقرار یافتهٔ تدبیر و امید، متأسفانه شاهد رجعت بسیاری از افراد آزمایش پس‌داده در دولتهای سازندگی و اصلاحات هستیم، چه در رأس وزارتخانه و چه در بدنهٔ دولت و لذا مجدداً فرصت برای تاختن بر پیکرهٔ فرهنگ عمومی و ایجاد رخنه در سپر فکـری و روحی جامعه برای فرصت‌طلبان فراهم گردید. هشـدارهای رهبـر فرزانهٔ انقلاب در زمینه فرهنگ به دولتمـردان که قلّهٔ آن را در حکم معظّم‌له به شورایعالی انقلاب فرهنگی شاهد هستیم (۱۳۹۳/۷/۲۶) و پرهیز دادن آنان از تغییر مسـیر فرهنگ جامعـه و ایجاد رخنه در آن که به تزلزل هویت ملت و جوانان منتهی خواهد شد، نشانه این رجعت است.

حاشیه‌سازی‌هایی که منجر به جدایی و انشقاق ملت از یکدیگر و بی‌اعتمادی به نظام و مسئولین می‌شود، چه در حوزهٔ فرهنگ و چه در حوزهٔ سیاست و اقتصاد، مجدداً ذهنها و روانها را مورد هجمه قرار داده اسـت. برخی روزنامه‌ها، به هنجارشکنی روی آورده و به‌طور آشکار خط و روش دشمنان را تبلیغ و درون‌سازی می‌کنند.

تأکیدهای رهبری و محورهایی که مورد تصریح قرار داده‌اند نشان می‌دهد که جریان سکولار فرهنگی مجدداً با دولت تدبیر و امید، جان گرفته و با توان بیشـتری بـه عرصهٔ فرهنگ وارد شده است. اظهار نگرانی و دغدغه رهبری و دستورالعملی که به شورای انقلاب- که نیمی از آن شخصیتهای حقیقی و نیم دیگر شخصیتهای حقوقی یعنی مسئولین دولتی نظام به ویژه از دولت هستند- صادر فرمودند، گواه این موضوع است. چند نگاه انحرافی عامل دغدغه‌های رهبری است:

۱- طرح مجدد «دین دولتی» و «فرهنگ دولتی» رهبری را به واکنش وا می‌دارد. معظّم‌له عنوان می‌کنند که با طرح این دیدگاه به دنبال محدود و تخریب کردن نقش نظارتی دولت هستند؛ در حالی که دولت باید توان خودش را صرف ترویج فضایل و جلوگیری از موانع رشـد آنها کند.[۲۹] و تأکید می‌فرمایند که نظارت دولت هیچ منافاتی با آزادی ضابطه‌مند ندارد. وظیفه شـرعی و قانونی دولت این است. در حالی که برخی مسئولین از عدم وظیفه دولت در بردن مردم به بهشت سخن می‌گفتند.

۲- طرح ضرورت سپردن فعالیتهای فرهنگی به دست مردم با نگاه افراطی آن که کوتاه کردن دسـت حکومت در فرهنگ و ولنگاری و هرج و مرج در فرهنگ و هویت دینی جامعه بود، نگاه غیر مسئولانه دیگری است که رهبری به آن اشاره داشتند: ضرورت ورود دولـت و حکومـت در مسائل فرهنگی، همچنان که در مسائل اقتصادی متصوّر و تأکید می‌شود، به معنای سلب فعالیت مردم نیست. دولت در جاهایی که این فعالیتها دارای آسیبهای اجتماعی است باید وارد بشود نه اینکه بگوید من دخالت نمی‌کنم.[۳۰]

۳- نگاه برخی دولتمردان بـه آزادی فرهنگـی کـه مترادف با رهاسـازی و عدم هدایت حکومت در فرهنگ والیگارشـی فرهنگی است، رهبری را به طرح این مسأله با تأکید وا مـی‌دارد: بعضی در دسـتگاههای دولتـی، غیرمسئولانه حرف می‌زنند و ادعای غربی‌ها در مورد آزادی فرهنگی را تکرار می‌کنند، در حالی که غربیها روی رسم و ارزشهای فرهنگی خودشان اصـرار و مقاومت بیشـتری نشان می‌دهند.

۴-احساس نگرانی رهبری از ناحیـه این نقطه نظرات و دیدگاههای دولتمردان، ایشان را به طرح پایه‌های این نگرانی می‌کشاند و تصریح می‌کنند که نگرانند. نگران رخنه‌هایی هستند که از رفتارها و اظهار نظرهای غیر مسئولانه ناشی می‌شود. رخنه‌هایی که مثل رخنه‌های اقتصاد نیسـتند که با سبد کالا و یارانه بسته شود. تقویت جناح مؤمن توسط دولت و مسئولین فرهنگی، توصیه اکید رهبری در بستن رخنه‌هاست.[۳۱]

۵- از همـه مهم‌تر، ابلاغیه رهبری به شـورای عالی انقلاب فرهنگی در حکم آغاز دوره جدید فعالیت این شورا بود که درآن محورهای مهمی در راسـتای نگرانـی خود از تضعیف فرهنگ دینـی جامعه و رواج فرهنگ غربی از سـوی معارضان فرهنگ دینی، را اعلام فرمودند: مهندسی فرهنگ کشور، ارتقاء کمی و کیفی محصولات فرهنگی، فهم و تثبیت و انفاد ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی، شناخت آسیبها و تهدید و راهکارهای مناسب آن، پایش مستمر از فعالیتهای فرهنگی و... در کنار تأکید بر امیدوار کردن دلبسـتگان فرهنگ دینی و انقلابی و در مقابل نگران و ناامید کردن معارضان ایـن فرهنگ، از جمله تأکیدات رهبری است.[۳۲] اجازه نقد دولت در زمینه‌های فرهنگی با رعایت انصاف و منطـق و نیز ضرورت حمایت دولت از جبهه فرهنگی انقلاب و حرکتهای خود جوش مردمی، راهکارهایی اسـت که رهبری برای کاستن از رخنه و وادادگی مدیران فرهنگی و غیرآنها، طرح فرمودند.[۳۳]

---

۲۹ - دیدار با اعضای شورایعالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹.
۳۰ - دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۳/۱۲/۱۵.
۳۱ - دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵.
۳۲ - حکم آغاز دوره جدید شورایعالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹.
۳۳ - بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱.

آگهی حراج حضوری

موسسه اقتصادی در نظر دارد یک دستگاه کشنده بنز اکسور، یکدستگاه کشنده‌مان و یک دستگاه کامیون هوو به همراه تعدادی خودروی سـبک قابل شـماره‌گذاری و اوراقی و مقداری کالای نو و مستعمل خود را از طریق حراج حضوری و به صورت نقدی بفروش برساند. خریداران موظفند ظرف حداکثر ۲۰ روز نسـبت به دریافت اسناد و انجام امور شـماره‌گذاری اقـدام در غیر این صورت مسـئولیتی بعهده فروشنده نخواهد بود و کلیـه پیگیری‌ها و پرداخت هزینه‌های مرتبط با شـماره‌گذاری و اخذ پلاک بـه عهده خریدار می‌باشد.

متقاضیان باید ۲۰٪ مبلغ پیشـنهادی را در زمان خرید بـه صورت نقدی یا چک تضمینی پرداخت و ظـرف مدت ۱۰ روز از تاریخ خرید نسـبت به تسـویه حسـاب و خـروج کالای خریداری شده اقدام، در غیر این صورت مبلغ فوق ضبط سپرده خواهد شد.

«جهت رفاه حال خریداران محترم دستگاه کارتخوان در محل موجود می‌باشد»

محلهای بازدید:

۱- زاهدان- خیابان سـعدی- ترمینال قدیم- روبه‌روی پلیس آگاهی اسـتان (انواع خودرو)- تاریخ بازدید: دوشـنبه ۹۴/۵/۲۶ ساعت ۸ الی ۱۲ و ۱۷ الی ۱۹

۲- زاهـدان- بلوار شـهید طباطبائی روبه‌روی پارک بسیج انبار شـماره یک (کالای متفرقه و خودرو)- تاریخ بازدید: دوشنبه ۹۴/۵/۲۶ ساعت ۸ الی ۱۲ و ۱۷ الی ۱۹

زمان و مکان برگزاری:

سه‌شنبه مورخ ۹۴/۵/۲۷ ساعت ۱۰

زاهدان- میدان امام علی(ع) خیابان فلسـطین روبـه‌روی اداره کل تربیت‌بدنی اسـتان سـالن اجتماعات دبستان جابربن‌حیان

تلفنهای تماس: ۳۳۴۱۳۲۹۰- ۳۳۴۱۳۰۸۷- ۰۵۴-۳۵۳۳۱۲۲۲

www.ssa-s.ir

آگهی مزایده عمومی فروش زیتون سالم

شرکت کشت و صنعت رضوان امداد گلستان درنظر دارد محصول زیتون باغات خود را که دارای گواهی محصول سـالم می‌باشد در سطح ۶۶۷ هکتار از طریق مزایده عمومی به فروش برسـاند لذا از علاقه‌مندان دعوت می‌شود از تاریخ ۹۴/۵/۲۱ حداکثر تا سـاعت ۱۰ صبح روز شـنبه مورخ ۹۴/۵/۳۱ (تاریخ مزایده) در وقت اداری جهت بازدید و دریافت فرم مزایده و ارائه پیشنهاد به آدرس ذیل مراجعه نماید.

آدرس: استان گلسـتان- گنبدکاووس- خیابان خیام جنوبی نبش کوچه ۱۸ پ ۵۲۵ شرکت کشت و صنعت رضوان امداد. تلفن ۳۳۳۸۳۱۲۲-۳۳۳۳۲۰۶۰-۰۱۷

آگهی دعوت

بدینوسـیله از کلیه صاحبان سهام شرکت گچ مراغه هشترود به شماره ثبت ۴۱۶۴ تبریز به شناسه ملی ۱۰۲۰۰۱۰۲۶۸۵ یا نمایندگان قانونی آنها دعوت می‌شـود که در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده صاحبان سهام راس سـاعت ۹ صبح روز سه‌شـنبه ۱۳۹۴/۶/۳ در دفتر این شرکت واقع در شهرسـتان مراغه خیابان خرمشهر پلاک ۶۱ تشکیل خواهد شد حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:

۱- استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس قانونی شرکت
۲- تصویب عملکرد و ترازنامه و حسـاب سـود و زیان منتهی به آخر سـال ۱۳۹۳
۳- انتخاب بازرس قانونی و علی‌البدل شرکت
۴- تعیین روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهی‌ها
۵- بحث و بررسی و تصویب سایر مواردی که توسط هیئت مدیره در مجمع مطرح خواهد شد.

هیئت مدیره شرکت گچ مراغه هشترود

تأسـیس موسسه غیرتجاری قرآنی مردمی بهشـت انتظار در تاریخ ۹۴/۵/۱۸ به شماره‌ثبت ۶۹۵ به شناسـه‌ملی۱۴۰۰۵۱۳۹۷۴۸ ثبت و امضاء ذیل دفاتـر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شـرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی می‌گردد. ۱- موضوع موسسه: برگزاری دوره‌های آموزشـی در حوزه تعلیم معارف قرآنـی، همچنین دوره‌های تربیت مربـی، مدیر و نیروی انسانی متخصص در کلیه رشته‌های قرآنی خاصه برای نوباوگان و جوانان، برگزاری محافل، جشـنواره‌ها، همایش‌ها و مسابقات فرهنگی و آموزشی در حوزه علوم و معارف قرآنی. انجام تحقیقـات و پژوهش‌های قرآنی. تدوین، تألیف و ترجمـه مقالات، متون و کتاب‌های قرآنی به زبان‌های خارجی و بالعکس. تأسـیس و اداره مراکز اطلاع‌رسانی و ارائه خدمات علمی به محققین، اساتید، طلاب، دانشجویان، دانش‌آموزان و سایر علاقمندان در حوزه علوم و معارف اسـلام. طراحی و ایجاد بانک‌های اطلاعاتی در موضوعات مرتبط با موسسـه و ارائه خدمات مشـورتی در قلمرو اهداف موسسه. تأسـیس کتابخانه‌های تخصصی مکتوب و الکترونیکی قرآنی و ارائه خدمات به پژوهشـگران، دانشجویان و علاقمندان قرآن کریم. برقراری ارتباط با مراکز فرهنگی و قرآنی از طریق مبادله خدمات و کالاهای علمی، آموزشـی و پژوهشی در حوزه علوم و معارف قرآنی اعم از کتب، نشریات، نرم‌افزارها و غیره. تولید و عرضه محصولات رایانه‌ای، دیداری، شـنیداری و گفتاری در زمینه‌های متناسب با فعالیت‌ها و اهداف موسسه. طراحی، تولید و عرضه مواد و منابع علمی، آموزشی، فرهنگی و هنر اسلامی و قرآنی. تشکیل و برگزاری جلسـات گفت‌وگو، مشاوره، کنفرانس‌ها، نمایشـگاه‌ها و سمینارها در موضوعات مختلف مرتبط با اهداف موسسـه و نیز برگزاری و تدارک همایش‌های علمی فرهنگی قرآنی برای دسـتگاه‌های دولتی و یا سازمان‌های خصوصی. تلاش به منظور تأمین بودجه موسسه از طریق درآمدهای ناشـی از فعالیت‌های موسسه در شـرکت‌ها و موسسات و نیز از طریق جلـب کمک‌ها و هدایای دولتی و مردمـی، دریافت وام یا موقوفه‌هـا. ارائه خدمات پیمان مدیریـت برای اجرای پروژه‌های قرآنی. تبصره۱: کلیه فعالیت‌ها و اقدامات موسسـه مندرج در این ماده بایسـتی در چارچوب قوانین و مقررات موضوعه کشور و هماهنگ با سیاست‌ها، برنامه‌ها و ضوابط سـازمان تبلیغات اسلامی و متناسب با سطح و حوزه عملیات تعیین شده و مندرج در پروانه فعالیت صادره از سوی سازمان مزبور انجام پذیرد. تبصره۲: انجام هر یک از فعالیت‌های موضوع این ماده متناسـب با سـطح و حوزه عملیات تعیین شده پس از اخذ مجوز از سازمان تبلیغات اسلامی امکان‌پذیر خواهد بود. تبصره۳: درصورتی که انجام هر یک از فعالیت‌های مذکور مطابق مقررات قانونی مستلزم اخذ مجوز لازم از مراجع ذیصلاح باشد موسسه مکلف است نسبت به اخذ مجوزهای لازم اقدام نماید.

۲- مدت موسسـه: از تاریـخ ثبت به مدت نامحدود. تبصره: موسسـه پـس از ثبت در مرجع ثبت شـرکت‌ها و اخذ پروانه فعالیت از سـازمان تبلیغات اسـلامی فعالیـت خواهد نمود. عدم تمدید و لغو پروانه فعالیت موسسـه و نهایتاً انحلال موسسه توسط سازمان مذکور موجب پایان فعالیت موسسـه خواهد شد. مرجع ثبت شـرکت‌ها پس از صدور مجوز انحلال موسسه توسط سـازمان تبلیغات اسلامی نسبت به صدور آگهی انحلال موسسـه اقدام خواهد نمود. ۳- مرکز اصلی موسسـه: قزوین- خیابان نواب شـمالی- کوچه گلشـن- پلاک۲۵- طبقه۱ کدپسـتی: ۳۴۱۹۹۳۷۴۴۱. ۴- سرمایه موسسه: مبلغ ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال نقدی می‌باشد. ۵- اولین مدیران موسسه: ۵-۱- خانم هنگامه رسولیان به سمت رئیس هیئت‌مدیره به شماره‌ملی ۴۳۱۰۵۲۳۷۷۳ سـاکن قزوین- خیابان نواب شمالی- کوچه گلشـن- پلاک۲۵- طبقه۱ دارنده ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریـال سهم‌الشـرکه. ۵-۲- آقای محمد رحمتی به سـمت مدیرعامل و عضـو هیئت‌مدیره به شماره‌ملی۴۳۲۳۱۲۴۷۰۸ ساکن قزوین- شهر قزوین- کوچه گلشن- پلاک۲۵- طبقه۱- دارنده ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ریال سهم‌الشرکه، برای مدت دو سال انتخاب گردیدند.

۶- دارندگان حق امضاء: کلیه اوراق و اسـناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک- سفته- بروات- قراردادها- عقود اسـلامی با امضای مدیرعامل به تنهایی همراه با مهر موسسه معتبر می‌باشـد و اوراق عادی و اداری با امضای مدیرعامل به تنهایی همراه با مهر موسسـه معتبر می‌باشـد. ۷- اختیارات مدیرعامل: طبق اساسنامه. ۸- بازرس اصلی و علی‌البدل: ۸-۱- آقای اصغر علی‌نژاد کدملی۴۳۲۲۲۱۲۵۴۹ به سـمت بازرس اصلی، ۸-۲- آقای صادق کشـاورز کدملی ۴۳۱۰۳۲۹۰۴۷ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند.

۹- روزنامه کیهان به عنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های موسسه تعیین شد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان قزوین
مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری قزوین

تأسـیس شرکت سهامی خاص فراز گشـت قزوین در تاریخ ۱۳۹۴/۵/۱۷ به شماره ثبت ۱۳۶۷۷ به شناسه ملی ۱۴۰۰۵۱۳۸۴۶۴ ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی می‌گردد. ۱- موضوع شـرکت: الـف- انجام فعالیتهای زیارتی (بند ب) حـج، عمره و عتبات عالیات تحت نظارت سـازمان حج و زیارت ب- اجاره ناوگان‌های مسـافرتی هوایی، زمینی، دریایی و شرکت‌های ذیربط به منظور سـرویس‌دهی به کاروان‌های مورد نظر ج- اجاره هتل‌ها و اماکن اقامتی به منظور اسـکان زائریـن در محل‌های مجـاز، پس از اخذ مجوزهای لازم. (ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی‌باشـد.) ۲- مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود. ۳- مرکز اصلی شرکت: قزوین خیابان سـعدی بالاتر از چهارراه نظام وفا جنب بانک سینا کد پستی ۳۴۱۹۶۵۴۷۵۱. ۴- سرمایه شرکت: مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال منقسـم به ۱۰۰۰ سـهم ۱۰۰۰ ریالی که تعداد ۱۰۰۰ سهم با نام می‌باشد که مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال توسـط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۷۱۹/۲۸/۹۴ مورخ ۱۳۹۴/۳/۲۷ نزد بانک ملی شعبه سعدی قزوین پرداخت گردیده است. ۵- اولین مدیران شرکت: ۵-۱- آقای حسن شکرنایی به شماره ملی ۴۳۲۳۲۷۳۰۵۳ به سـمت رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل ۵-۲- خانم زهرا سادات میرزاده به شماره ملی ۴۳۲۳۳۲۶۷۱۸ به سـمت نایب رئیس هیئت مدیره ۵-۳- آقای محمدرضا شـکرنایی به شـماره ملی ۴۳۱۰۰۴۸۲۸۵ به سمت عضو هیئت مدیره ۵-۴- خانم سمانه شکرنایی به شماره ملی ۴۳۲۴۳۶۴۳۱۱ به سـمت عضو هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند. ۶- دارندگان حق امضاء: کلیه اسناد و اوراق بهادار و بانکی با امضای رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل همراه با مهر شـرکت معتبر بوده و سـایر نامه‌های اداری و عـادی نیز با امضای مدیرعامل همراه با مهر شـرکت معتبر اسـت. ۷-